ديباچه‏اى بر پديده‏شناسى نظام سياسى مهدوى

دكتر عليرضا صدرا

اشاره‏

اين نوشتار ديباچه‏اي بر پديده‏شناسي نظام سياسي مهدوي است. هستي‏شناسي (حقيقت)، چيستي‏شناسي (ماهيت) و چگونگي‏شناسي (واقعيت)، مراتب سه گانه‏ي مهدوي‏شناسي محسوب مي‏گردند كه در مطلق مدينه فاضله و مدينه فاضله مهدوي، مورد بررسي قرار گرفته است و افق‏هاي جديدي در فلسفه سياسي، فرا روي پژوهشگران و انديشوران نهاده است.

گزينه:

مهدويت و نظام مهدوي، پديده‏اي ((سياسي و مدني)) است. همچنين پديده‏اي ((حقيقي و يقيني)) محسوب مي‏گردد. پديده‏اي ((عيني، عملي و تحقّق يافتني)) نيز مي‏باشد. بدين ترتيب پديده ((مدني مهدوي))، داراي مراتب سه گانه وجودي - حقيقت، ماهيت و واقعيت - است. اين مراتب سه گانه پديده و پديده‏شناسي مهدويت عبارت است از:

1. حقيقت يا هستي وچرايي مهدويت و نظريه آن (اعم از ضرورت، مبادي و علل و غايات)؛

2. ماهيت يا چيستي، مفاهيم و حدود آن؛

3. واقعيت عيني و وقوع عملي سير مهدويت و نظام و ساختار مهدوي يا چگونگي آن (سازكار و راهبرد و روش اجرايي و عملياتي آن).

پس هستي‏شناسي، چيستي‏شناسي و چگونگي‏شناسي يا پديدارشناسي ((مهدوي و مهدويت))، مراتب سه گانه ((پديده‏شناسي مهدوي)) محسوب مي‏گردند؛ يعني، به ترتيب شناخت هستي و حقيقت سير مهدويت و ساختار مهدوي يا ضرورت، علل وغايات آن، با ((رهيافت عقلي، استدلالي و فلسفي سياسي و مدني)) انجام مي‏پذيرد. شناخت ماهيت يا چيستي مفاهيم و حدود مهدويت، با ((رهيافت وحياني، استنادي و ديني)) يا ((مكتبي، سياسي و مدني)) قابل دستيابي است. در شناخت واقعيت عيني و وقوع عملي و سازكارها و راهبردهاي نمودي و نهادهاي مهدوي و مهدويت نيز، نقّادي نظريات و نظامات سياسي، بررسي و سير در تاريخ و جغرافياي جهان سياسي و سياست و عطف توجّه به ابتلائات بشر و اجتماعات بشري، در فهم و درك هر چه روز آمدتر و كارآمدتر آن، كارساز مي‏باشد.

درآمد: نظريه و نظام مدني و سياسي فاضلي، در دو سطح قابل بررسي است:

يك. مطلق مدينه فاضله؛

دو. مدينه فاضله مطلق يا مدينه و نظام سياسي كامل و برتر (نظام مدني حقيقي و يقيني كه ((مراد نظام فاضلي مهدوي)) است). مدينه فاضله - به خصوص مدينه فاضله مهدوي - بسان هر پديده سياسي و مدني ديگري، داراي سه مرتبه وجودي بوده و بر اين اساس داراي سه مرتبه شناختي، معرفتي و نظري سياسي است:

يكم. حقيقت يا هستي و چرايي مدينه فاضله و هستي مدينه‏ي فاضله مهدوي؛

دوم. ماهيت يا چيستي مدينه فاضله و چيستي مدينه‏ي فاضله مهدوي؛

سوم. واقعيت يا چگونگي مدينه فاضله و واقعيت مدينه فاضله مهدوي.

((هستي‏شناسي سياسي)) مدينه فاضله و مدينه فاضله مهدوي، به بررسي مبادي آنها مي‏پردازد. مبادي مدينه فاضله عبارت است از:

1. اصل ضرورت يا عدم ضرورت و امكان يا عدم امكان،

2. علل و عوامل وجود و ايجاد در سياست و نظريه سياسي؛ اعم از:

الف) علت فاعلي يا سبب و انگيزه ايجاد و گرايش به آن،

ب) علت غايي و غايت يا هدف مطلوب گرايش و ايجاد آن.

3. منشأ نظري و منبع علمي نظريه و نظام فاضلي، به ويژه نظام فاضلي مهدوي؛ اعم از:

الف) عقل يا حكمت و فلسفه سياسي،

ب) وحي يا شريعت و دين سياسي،

ج) تجربه يا عرف و علم سياسي.

4. ((نقش، كار ويژه، كاركرد و كارآمدي))؛ همچنين ((اصالت، شأن و اثربخشي)) و سرانجام ((بهره‏وري نظري و عملي سياسي)) مدينه فاضله، به ويژه مدينه فاضله مهدوي و نيز مهدويت (يعني آيا اين نظريه مدني و مهدوي و نظام فاضلي مدني و مهدوي، مفيد، مثبت و سازنده است؟ مثبت و سازنده به چه معنا و با چه حدود و چگونه؟). در اينجا:

الف) عقل و حكمت يا فلسفه سياسي (عقلي)؛ به بررسي و تعيين مبادي مدينه فاضله و بويژه نظام مدني فاضلي مي‏پردازد.

ب) وحي و شريعت يا دين؛ مباني (مفاهيم، حدود و بنيان‏هاي) نظام مدني فاضلي و مهدوي را تذكر داده و تحليل و تعريف يا تبيين مي‏كند.

ج) تجربه و عرف يا علم (تجربي و عرفي) سياسي؛ به توصيف چگونگي؛ (سازكارها و راهبردهاي) مدينه فاضله، حتي نظام مدني فاضلي مهدوي كمك مي‏كند.

آمد

الف) مطلق مدينه فاضله:

يكم. چرايي مدينه فاضله‏

امام علي (عليه‏السّلام) مي‏فرمايد: ((دولة العاقل يحن الي الوصلة))(1)؛ ((دولت عقل و عاقل، در پي پيوست است)).

الف) خواجه نصير الدين طوسي، در ابتداي فصل اول سياست مدن كتاب اخلاق ناصري مي‏نويسد: ((هر موجودي را كمالي است، و كمال بعضي موجودات در فطرت با وجود مقارن افتاده است و كمال بعضي از وجود متأخر))(2). وي بر اين اساس، همانند بسياري از فيلسوفان عمومي و سياسي - از جمله فارابي، مؤسس فلسفه سياسي در تاريخ و جهان اسلام و ايران - معتقد است: ((هر چه كمال او از وجود متأخر بود ك هر آينه او را حركتي بودك از نقصان به كمال(3)ك)).

همچنين مي‏گويد: ((آن حركت بي‏معونت اسبابي كه بعضي مكملات باشند و بعضي معدات، نتواند بود))(4)؛ يعني، برخي كمك‏كننده و برخي ديگر كامل كننده حركت و موجود محرك مي‏باشند. عوامل مادي، اقتصادي و توسعه، معدات هستند؛ يعني، ابزار تكامل، كمال و تعالي محسوب مي‏گردند.

بر اين اساس انسان [سياسي‏]، موجودي است كه:

الف) داراي كمال مادي و معنوي (اعم از توسعه مادي و تعالي معنوي) در سطوح زير است:

1. شخصي: دورني - بيروني يا ظاهري - باطني؛

- ذهني، فكري، نظري، علمي و معرفتي‏

- روحي، رواني، نفساني و اخلاقي‏

- جسمي، بدني و عضوي‏

2- فردي، جمعي، اجتماعي تا سطح جهاني‏

3- اقتصادي، فرهنگي و سياسي‏

ب) جايگاهي ويژه و برتر در نظام هستي و از جمله در عالم طبيعت دارد.

خاستگاه، جايگاه و نقشي كه از آن تعبير به مقام ((خلافت اللهي))، ((قائم مقامي)) و ((جانشيني خدا)) و نيز ((حاكم))، سياست‏گذار و ((سياست مدار)) يا ((كارگزار زمين و زمان و بويژه خود و جامعه و نظام سياسي)) خويش مي‏شود؛ يعني، انسان تنها موجودي است كه هم سياست‏گذار و سياست مدار يا عامل طرّاحي و برنامه‏ريزي سياسي و نيز كارگزار جاري و اجرايي سياست خود، زمين و جامعه سياسي و نظام سياسي خويش بوده و هم سياست‏پذير، سازمان‏پذير و نظام‏پذير است.

همچنين انسان تنها موجودي است كه به اصطلاح عالماً و عامداً اين سياست را تبيين و تبعيت مي‏كند. او هر چند در گستره طبيعت زيست مي‏كند؛ لكن تابع جبر و دترمينيسم طبيعي و تك خطي نيست؛ بلكه اين سياست و سير ضروري و اجتناب‏ناپذير را تنظيم و طي مي‏كند.

بنابراين عقل و حكمت سياسي حكم مي‏كند كه: اولاً، ((مطلق نظام مدني فاضلي)) و نيز ((نظام مدني فاضلي مطلق))، به عنوان كمال نهايي، غايت و مطلوب انسان‏ها وجود داشته باشد.

ثانياً، نظريه ((نظام مدني فاضلي)) و نيز نظريه ((نظام فاضلي مدني))، به عنوان علت غايي تبيين و ترسيم گردد.

تنها در اين صورت است كه افراد، گروه‏ها و اجتماعات انساني و سياسي، جهت‏گيري درست نموده، هدف را گم نمي‏كنند و اميد را از دست نمي‏دهند. نظريه و اميد، بسان نمونه‏اي متعالي، از سويي مانع گمراهي و كجروي سياسي شده و ضمن نپذيرفتن هر گونه نظريه و نظام سياسي غير متعالي و نهايي، باعدم قناعت و يا عدم رضايت - حتي دربدترين شرايط - اميد خود را از دست نمي‏دهد و با تدبير و اراده نستوه، پويايي و پايداري خويش را تا تحقّق نظريه ((مدينه فاضله)) و دستيابي به ((نظام مدني فاضلي))، حفظ مي‏كند.

دوم. چيستي مدينه فاضله‏

مراد از مدينه فاضله، ((نظام مدني كامل و مطلوب)) است؛ اين نظام مدني، كارا و كارآمد در گستره‏هاي شخصي تا جهاني است. نظريه و نظام سياسي متعادل و متعالي انساني، در تمامي ساحت‏ها و عرصه‏هاي مادي و معنوي دربُردهاي اقتصادي، فرهنگي و سياسي است. ((نظام مدني فاضلي مهدوي))، نظامي است كه متضمن ((توسعه مادي)) توأمان با ((تعالي معنوي)) در گستره‏ها و بُردهاي ياد شده است.

سوم. چگونگي مدينه فاضله‏

امام علي (عليه‏السّلام) مي‏فرمايد: ((لكلّ دولة برهه))(5).

آفرينش يا شكل‏گيري زمين، تاريخي چند ميليارد سالي دارد. ديرينگي حيات در زمين، گاه به بيش از يك ميليارد سال پيش‏تر مي‏رسد. پيشينه خلقت يا خلافت و هبوط آدم در زمين، به چندين صد هزار سال بالغ مي‏گردد.

بعضي از نظريه‏هاي سياسي - از جمله در نظر ((سنت آگوستين))، پدر و بنيانگذار نظريه سياسي مسيحيت - هبوط را تبعيد، مجازات و سقوط آدمي در زمين مي‏دانند؛ آن هم به عنوان انتقام خدا از انسان به سبب گناه ابدي و ذاتي كه در بهشت مرتكب شده و از آن رانده و اخراج گرديده است.

برخي از نظريه‏هاي سياسي - به ويژه صاحب‏نظران اسلامي - بدون استثنا، هبوط را اعزام و فرود آدمي به زمين مي‏دانند؛ آن هم به منظور بازپروري و تقويت و استواري عزم و اراده، به سبب لغزش و تزلزل اراده عارضي كه در بهشت پيش آمده و از آن اخراج و انتقال داده شده است.

((مدينه فاضله)) هم بازساز ((نمونه بهشتي)) نظام مدني در زمين بوده و هم مقدمه و لازمه بازگشت به همان بهشت موعود محسوب مي‏گردد. در واقع و در حقيقت، مدينه فاضله، برترين جايگاه و پايگاه مدني و متعال انساني بوده و خاستگاه‏گذار به ((حيات جاوداني)) و ((جاودانگي حيات مطلوب)) است.

در اين راستا تاريخ مدني و سياسي بشر - به ويژه به صورت اجتماعي و با پيدايي و پايداري نهاد دولت - حداكثر از بيست هزار سال بيشتر تجاوز نمي‏كند. آنچه مسلّم است، سير زندگي جمعي، اجتماعي و سياسي و مدني - حتي طبيعي آن - بسيار كوتاه بوده و از اين حيث بسيار نوپا و نوبنياد است؛ چرا كه در مقايسه با تاريخ چندين ميلياردي زمين يا حيات در زمين، چند صدهزار سال تاريخ بشري و چند ده هزار سال تاريخ مدني، نسبت به يك روز، بيشتر از چند ثانيه نگذشته است.

امام صادق (عليه‏السّلام) مي‏فرمايد: ((پيروان حق هميشه در ناراحتي به سر مي‏برده‏اند؛ آگاه باشيد كه؛ ناراحتي اندك و زمان دولت قائم طولاني خواهد بود))(6).

سير زندگي و سياست مدني بشر - اعم از اين كه از پيشا تاريخ و عصر تاريخ نانويسا آغاز شده يا كم و بيش با دوران تاريخي و نويسايي هم‏زمان باشد - قطعاً تاكنون دو مرحله را از سرگذرانده است:

1. مرحله پيشا مدني و حتي چه بسا پيشا جمعي و به ويژه پيشا اجتماعي؛ مهم‏ترين شاخصه‏هاي اين مرحله، ((فقدان قانون و دولت)) بود.

2. مرحله جمعي و حتي اجتماعي و به ويژه در مرحله مدني يا سياسي؛ مهم‏ترين شاخص‏هاي اين مرحله، ((ايجاد و وجود قانون و دولت)) است.

آنچه مسلم است در اين مرحله، بسياري از خصلت‏هاي طبيعي، همچنان رايج و حتي چه بسا غالب مي‏باشد. اما در نظريه و نظام سياسي فاضله (مهدوي)، تمامي شاخصه‏هاي مثبت ياد شده را دارد و از كليه شاخصه‏هاي منفي، عاري است.

به نظر مي‏رسد اگر زندگي و روابط جمعي و اجتماعي و نيز قانون مداري و دولت‏مندي را شاخصه‏هاي ((مدنيّت)) بدانيم؛ سير تاريخ و سامانه سياسي بشر را، بايستي به ترتيب زير ترسيم و تنظيم كنيم:

نخست. مرحله‏ي طبيعي پيشا مدني،

دوم. مرحله‏ي مدني طبيعي پيشا انساني،

سوم. مرحله‏ي مدني انساني، متعالي و فاضله.

جاي شكل

در غير اين صورت؛ يعني، در حالتي كه عدالت - به معناي توسعه‏ي مادي توأمان با تعالي معنوي - در تمامي گستره‏ها تا سطح جهاني و عرصه‏ها و بردهاي پيش گفته، شاخص مدنيت باشد، مي‏توان قائل به دو دوره گرديد:

1. دوره طبيعي،

2. دوره مدني؛ يعني، حالت انساني مدني و مدني انساني و در حقيقت نظريه و نظام فاضلي، مطلق، الهي، اسلامي و مهدوي.

جاي شكل‏

در اين صورت، دوره طبيعي، خود به دو دوره سياسي تقسيم گشته يا از دو دوره تشكيل مي‏شود:

1. مرحله طبيعي پيشا اجتماعي، يا پيشا قانون و پيشا دولت؛

2. مرحله طبيعي اجتماعي، يا قانون و دولت.

در اين مرحله اگر چه روابط اجتماعي، قانون و دولت پديدار شده و پايدار گرديده است؛ لكن حاكميت و يا غلبه، با نظريه و نظام سياسي جمعي، اجتماعي و قانون و دولت طبيعي و حيواني است؛ يعني، به اصطلاح فارابي آميزه‏اي از آموزه‏هاي بهيمي و سبعي (ددگي و درندگي) سياسي و سياسي جاهله، ضاله‏پنداري وفاسقه متوهمه را است. به تعبير ابن سينا نيز چرندگي و درندگي؛ به تعبير خواجه نصير، سياست ناقصه و تغلّب و به بيان امام خميني(ره) سياست حيواني و سياست شيطاني است.

در دوره طبيعي سياسي و سياست طبيعي، به تعبير امام صادق (عليه‏السّلام): ((دولة الحق قصيرة و دولت الباطل كثيرة))؛ يعني، دولت و قدرت، حاكميت و حكومت و نظام سياسي و سياست حق، محدود بوده و در تنگنا و در فشار قرار دارد؛ حال اينكه دولت باطل و سلطه‏گر، بر عكس اين است. از اين دوره مي‏توان تعبير به مدني طبيعي، شبه مدني و پيشينه مدني (فاضلي)، انساني و متعالي ياد كرد.

در دوره‏ي مدني انساني و انسان مدني، حاكميت و يااقتدار با نظريه و نظام سياسي جمعي، اجتماعي و قانون و دولت انساني و متعالي است؛ يعني، به اصطلاح فارابي، آموزه‏هاي فاضله يا سعيده و برتر (اعم از: خير، زيبايي و فضايل سياسي) و نيز سياست عقلي و حكمي؛ حقيقي و يقيني است. به تعبير خواجه نصير نيز ((سياست كامله))؛ به بيان امام خميني(ره) ((سياست انساني، الهي و اسلامي)) و به تعبير علامه جعفري، ((حيات معقول و طيبه)) است.

در دوره انسان سياسي و سياست انساني، در واقع: ((دولة الحق كثيرة))؛ دولت و قدرت، حاكميت و حكومت و نظام سياسي و سياست حق نامحدود بوده و در تنگنا و در فشار قرار ندارد؛ بلكه حق گسترده و مقتدر است. حال اينكه دولت باطل و سلطه‏گري، يا نابود و ريشه كن شده يا كاهش يافته و كاملاً تحت كنترل قرار مي‏گيرد.

ب) مدينه فاضله (مطلق) مهدوي:

اول. چرايي مدينه فاضله‏

امام علي (عليه‏السّلام) مي‏فرمايد: ((دعوا طاعة البغي والفساد واسلكو سبيل الطاعة والانقياد تسعدوا في المعاد))(7)؛ ((طاعت بغي و فساد را بگذاريد و راه طاعت و انقياد حق را پيش گيريد تا در بازگشت، سعادتمند باشيد)).

حال كه مدينه يا نظام مدني فاضلي حقيقي و مطلوب بوده، قطعاً كمال مطلوب، ((نظام مدني فاضلي حقيقي)) مي‏باشد. مدينه فاضله و نظام مدني فاضلي حقيقي، يقيناً نظام مدني و سياسي فاضلي مهدوي است.

دوم. چيستي مدينه فاضله مهدوي‏

در نظريه سياسي قرآني، به ويژه در فلسفه تاريخ سياسي قرآن، دو مطلب قابل توجّه است:

1. خلقت انسان، خلافت آدم (عليه‏السّلام) و هبوط او در زمين، به مثابه فرود و فرودگاه، براي سوخت‏گيري و پرواز مجدد مطرح شده است.

2. بر اساس ولايت - هدايت الهي بشر و تدبير، اراده و بازگشت او به مدينه و نظام سياسي فاضلي مهدوي، بسان نمونه زميني و زماني بهشت پيشين و خاستگاه و پروازگاه به بهشت پسين و هدف برين معرفي شده است.

قرآن، تبيين كننده اهم شاخصه‏هاي پيشا مهدوي بوده كه امت اسلامي و به ويژه در نظام مدني مهدوي، مسؤوليت تحقّق و تأمين آنها را بر عهده دارند. بدين ترتيب اهم مفاهيم، مباني و حدود نظريه و نظام سياسي فاضله مهدوي و مهدويت را مي‏توان از منبع وحي - به ويژه از قرآن و سنت - باز جسته، ساختار آنها را ترسيم كرد.

سوم. چگونگي مدينه فاضله مهدوي‏

درباره‏ي ساختار كلي و چهارچوب‏بندي نظام سياسي مهدوي، گفتني است كه ساختار كالبدي و پيكره‏بندي راهبردي اين نظام به ترتيب زير تنظيم و ترسيم مي‏شود:

الف) در عرصه‏هاي ذهني، رواني و جسماني؛

ب) در گستره‏هاي شخصي تاجهاني؛

ج) دربردهاي اقتصادي، فرهنگي و سياسي.

برآمد

شاكله كلي و اصلي نظام سياسي مهدوي و اجزا و تقسيم‏بندي‏هاي مربوطه، اساساً تا حدود زيادي با بهره‏گيري از دستاوردهاي سياسي بشر در طول تاريخ خويش و در جغرافياي جهان، ميّسر مي‏باشد. تبيين شاخص‏هاي فاضله نظام سياسي مهدويت، نوعاً يا اكثراً با استفاده از منابع وحياني ممكن است (وحي از آدم (عليه‏السّلام) تا پيامبر خاتم (صلّي‏اللّهُ‏عليه‏وآله‏وسلّم)). علم اولياي الهي؛ يعني، ائمه اطهار (عليه‏السّلام) به عنوان راسخون در علم و عالمان (حقيقي و كامل) به دين و سياست؛ اين شاخص‏ها و مفاهيم، تعريف، حدود و معاني آنها را تفسير و تفصيل داده‏اند و اجزاي آنها را روشن كرده‏اند. همان گونه كه سعي شده، موارد عمده و اصلي اين شاخصه‏ها، با استفاده از منابع مربوطه، نمودار شود. الهامات عارفان رباني در اين زمينه، كمك كار است. اجتهادات علمي و ديني دانشمندان الهي و اسلامي نيز در تطبيق، روزآمدي و كاربري آنها كارگشا مي‏باشد. جملگي اين مراتب و منابع علمي سياسي، كارآمدي نظام سياسي را محقق خواهد ساخت.

--------------

پي نوشت :

1) غررالحكم.

2) اخلاق ناصري، ص 247.

3) همان.

4) همان.

5) غررالحكم.

6) بحار الانوار، ص 1127.

7) غررالحكم.